

Editorial: A Comparative Legal Call for Accountability for U.S.–Israeli Aggression against Iran: From International Legal Theory to Action-Oriented Legal Research



Seyed Hosein Safaï

Professor, Department of Private Law, University of Tehran, Tehran, Iran
hsafaii@ut.ac.ir



Mohammad Darvishzadeh

Head of the Iranian Law and Legal Research Institute and former judge of the Supreme Court, Tehran, Iran
darvishzadeh@illrc.ac.ir



This research note calls for a comparative legal examination of the U.S.–Israeli aggression against Iran in 2026, focusing on alleged violations of the prohibition on the use of force, the principle of distinction, civilian protection, and the safeguarding of critical infrastructure. It contends that attacks on educational, medical, humanitarian, cultural, and essential-service facilities should not be treated as isolated events, but assessed as part of a broader pattern capable of engaging both State responsibility and the individual criminal responsibility of political and military leaders. In light of the limitations of existing international supervisory mechanisms, the note calls for moving beyond political narratives toward precise and methodologically rigorous legal analysis.

Journal of Research and Development
in Comparative Law

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 9 | No. 31 | Summer 2026
(Editorial)

www.jcl.illrc.ac.ir

DOI:
10.22034/law.2026.741394

The proposed agenda brings international law into conversation with Islamic legal principles, domestic legal systems - particularly that of the United States - and the practice of jurisdictions exercising universal jurisdiction. It identifies research pathways concerning aggression, war crimes, command responsibility, sovereign immunities, third-State obligations, collective punishment, reparations, and the legal consequences of attacks on children and civilian infrastructure. Its central aim is to transform national suffering into legally actionable arguments capable of supporting litigation, evidentiary documentation, reparative claims, and the pursuit of accountability before domestic, international, and transnational fora.



سرمقاله: فراخوانی برای تحلیل تطبیقی نظام‌های حقوقی، در مواجهه با تجاوز اسرامریکا به ایران؛ از نظریه‌های بین‌المللی تا اقدام پژوهی حقوقی

استاد گروه حقوق خصوصی دانشگاه تهران، تهران، ایران
hsafaii@ut.ac.ir

سیدحسین صفایی 

رئیس پژوهشکده حقوق و قانون ایران و قاضی پیشین دیوانعالی کشور، تهران، ایران

محمد درویش‌زاده 

darvishzadeh@illrc.ac.ir



فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق تطبیقی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۹ | شماره ۳۱ | تابستان ۱۴۰۵

(سرمقاله)

www.jcl.illrc.ac.ir

DOI:

10.22034/law.2026.741394

۱- مقدمه

وقایع تکان‌دهنده فوریه ۲۰۲۶، یک گسست عمیق در پیکره حقوق بین‌الملل و انسانیت بود. شهادت مظلومانه حضرت آیت الله سید علی خامنه‌ای (ره) - رهبر جمهوری اسلامی ایران - در کنار تهاجم گسترده به خاک ایران، ابعادی از بی‌قانونی در عرصه جهانی را به نمایش گذاشت که پیش از این در تاریخ معاصر بی‌سابقه بود. آنچه این تهاجم را از منظر حقوقی بسیار تکان‌دهنده می‌کند، نقض آگاهانه و آشکار «اصل تفکیک»^۱ است؛ اصلی که در متون حقوق بین‌الملل بر تفکیک دقیق اهداف نظامی از غیر نظامی تأکید دارد؛ اما در این تجاوز عریان، این اصل، علاوه بر عمل، در اظهارات و پیام‌های علنی سران ائتلاف اسرامریکا، نادیده گرفته شد و به طور عمدی به چالش کشیده و مردود و بی اعتبار اعلام شد. این نقض، در جنایاتی نظیر حمله به مدرسه میناب و شهادت ۱۶۸ کودک بیگناه، یا هدف قرار دادن صدها مرکز علمی، آموزشی، درمانی، امدادی و مکان‌های مقدس و میراث فرهنگی - تاریخی تجلی یافت.

تهاجم به زیرساخت‌های حیاتی چون آب، برق، گاز، راه و مراکز پتروشیمی و صنعتی، نشان‌دهنده استراتژی آگاهانه «نابودسازی حیات اجتماعی» است که در تضاد کامل با کنوانسیون‌های جهانی مربوط به مخاصمات مسلحانه است. لذا در این نوشتار، ضمن اشاره به رسالت حقوقدان در عصر بحران و ضرورت توجه به رویکرد تطبیقی؛ عناوین و پرسش‌های پژوهشی به جامعه حقوقی پیشنهاد می‌شود و از تمامی استادان، پژوهشگران و حقوقدانان دعوت می‌کند تا با نگاهی تحلیلی و تطبیقی، در راستای عمل به رسالت خود، به پژوهش بپردازند.

۲- بیان مسئله

در چنین شرایطی، جامعه جهانی و به ویژه جامعه حقوقی داخلی و بین‌المللی، با یک خلأ تحلیلی مواجه است. وقتی ابزارهای نظارتی بین‌المللی در برابر تهاجم قدرت‌های هژمونیک به سکوت می‌روند یا ناتوان می‌مانند، رسالت حقوقدانان تغییر می‌کند. دیگر نمی‌توان به تماشای تخریب هنجارها نشست؛ بلکه نیاز مبرمی وجود دارد تا این وقایع از لایه‌های سیاسی خارج شده و به لایه‌های «حقوقی - تحلیلی» منتقل شوند. در این شرایط، رسالت حقوقدان جستجوی راه تعادلی است میان «شور انقلابی / میهنی» و «سرمایه علمی و حقوقی». ما امروز نیازمند تبیین دقیق ابعاد حقوقی این تجاوز عریان هستیم تا بتوانیم به پرسش‌هایی پاسخ دهیم؛ نظیر این که «چگونه می‌توان در نظام فعلی حقوق بین‌الملل، متجاوزانی را که خود مدعی وضع قانون هستند، به پاسخگویی درآورد؟»

۳- رویکرد تطبیقی

پاسخ به پرسش‌هایی نظیر پرسش بالا، در یک نگاه تک بعدی به حقوق بین‌الملل (که تحت تاثیر قدرت‌های جهانی است) یافت نمی‌شود. در این مسیر، اتخاذ «رویکرد تطبیقی» راهگشا است..

حقوق تطبیقی در اینجا به معنای بررسی و مقایسه همزمان مفاهیم «تجاوز»^۱، «جنایت جنگی»^۲ و «حق دفاع مشروع»^۳، «مشروعیت»^۴، «مسئولیت و پاسخگویی»^۵ در سه سطح است: نخست، در متون رسمی حقوق بین‌الملل و منشور سازمان ملل؛ دوم، در قواعد حقوق اسلامی و فقهی (به ویژه در باب جهاد دفاعی و حقوق جنگ)؛ و سوم، در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف و از جمله در نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا.

تطبیق این نظام‌ها به ما اجازه می‌دهد تا نقاط ضعف و تناقضات حقوق بین‌الملل را شناسایی کرده و با تکیه بر مبانی اخلاقی و حقوقی نظام‌های جایگزین، تعریف جامع‌تری از «عدالت» و «جبران خسارت» ارائه دهیم. در واقع، رویکرد تطبیقی ابزاری است تا بتوانیم «حق» را از «قدرت» تفکیک کنیم و مبنای قانونی محکم‌تری برای پیگرد متجاوزان فراهم آوریم.

۴- فراخوان پژوهشی: محورهای تحلیل تطبیقی تجاوز اسرامریکا به حاکمیت ملی ایران

۴/۱- تحلیل تطبیقی تعریف «تجاوز» در قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل و اساسنامه رم در برابر اقدامات اسرامریکا

در این پژوهش، بررسی این پرسش که آیا معیارهای تعریف تجاوز در اسناد بین‌المللی (مانند اساسنامه رم) با تهاجم ائتلاف اسرامریکا در سال ۲۰۲۶ تطابق دارد یا خیر، مورد پژوهش است. هدف، استخراج یک مدل مستند برای اثبات «تجاوز» در مراجع بین‌المللی است تا پاسخی عملی به نیازهای حقوقی کشور در سطح جهانی باشد.

۴/۲- بررسی تطبیقی تعریف «تجاوز» در قوانین داخلی آمریکا و حقوق بین‌الملل

در این عنوان، بررسی این پرسش که تضاد میان تعریف «عملیات امنیتی» در قوانین داخلی آمریکا و تعریف «تجاوز» در حقوق بین‌الملل، چگونه در وقایع ۲۰۲۶ تجلی یافته است، مورد پژوهش قرار می‌گیرد. خروجی این تحقیق، یافتن تناقضات قانونی برای استفاده در اقدامات حقوقی علیه متجاوز است.

¹ Aggression

² War Crime

³ Right to Self-Defence

⁴ Legitimacy

⁵ Responsibility and Accountability

۳/۴- مطالعه تطبیقی صلاحیت مراجع قضایی دارای «صلاحیت جهانی»^۱ در قبال تجاوز اسرامریکا

در این پژوهش، بررسی این پرسش که کدام کشورهای دارای صلاحیت جهانی، می‌توانند بر اساس قوانین داخلی خود، پرونده تجاوز اسرامریکا را پذیرفته و متهمان را محاکمه کنند، مد نظر است. تمرکز این تحقیق بر امکان‌سنجی مسیرهای عملیاتی برای طرح شکایت در دادگاه‌های ملی کشورهای ثالث است تا پاسخی اثربخش به نیاز به عدالت باشد.

۴/۴- بررسی تطبیقی «هدف قرار دادن رهبران ملی» و آثار آن بر استمرار حاکمیت در این پژوهش، بررسی این پرسش که ترور رأس قدرت در تجاوز ۲۰۲۶، از منظر تطبیقی (بین‌الملل و ملی) چه جایگاهی دارد؟ و چه تأثیری بر مشروعیت حاکمیت می‌گذارد، مورد پژوهش است. هدف، ارائه یک تحلیل حقوقی کاربردی برای تبیین مسیرهای قانونی پاسخ به این اقدام در سطح دیپلماتیک و قضایی است.

۵/۴- تحلیل تطبیقی «تخریب زیرساخت‌های حیاتی» (برق، آب، گاز، پتروشیمی، مخابرات و ترابری) به عنوان ابزار فشار

در این عنوان، بررسی این پرسش که هدف قرار دادن سیستم‌های توزیع آب و برق، شبکه‌های گازرسانی، پالایشگاه‌ها و مراکز ترابری در تجاوز ۲۰۲۶، به عنوان یک ابزار فشار توسط متجاوز در حقوق تطبیقی چگونه طبقه‌بندی می‌شود، مورد پژوهش است. هدف، استخراج راهکارهای عملی برای تعریف این اقدامات به عنوان «جنایت جنگی» و نحوه محاسبه خسارات مادی است.

۶/۴- مطالعه تطبیقی «تغییر ساختار سیاسی» از طریق تجاوز نظامی در نظام‌های حقوقی مختلف

در این پژوهش، بررسی این پرسش که تلاش برای تغییر ساختار قدرت در ایران پس از شهادت رهبری در تجاوز ۲۰۲۶، در حقوق تطبیقی چه جایگاهی و چه تعریفی دارد، مدنظر است. خروجی این تحقیق می‌تواند منجر به تدوین «اقدام‌های حقوقی» شود که مطالبه‌گری حاکمیت ملی را در برابر تجاوز اسرامریکا در مراجع بین‌المللی تسهیل کند.

۴/۷- بررسی تطبیقی «حق دفاع مشروع» در برابر «تجاوز سیستماتیک» به زیرساخت‌های ملی ایران

در این پژوهش، بررسی این پرسش که محدوده «دفاع مشروع» در پاسخ به تجاوز به زیرساخت‌های حیاتی در حقوق تطبیقی

(بین‌الملل و اسلامی) چگونه تعریف می‌شود، مورد پژوهش است. هدف، ارائه یک چارچوب حقوقی مستند برای مشروعیت بخشیدن به پاسخهای متقابل در سطح بین‌المللی است.

۴/۸- تحلیل تطبیقی «تکالیف دولت‌های ثالث» در قبال تجاوز اسرامریکا به حاکمیت ملی ایران

در این پژوهش، بررسی این پرسش که سکوت یا حمایت دولت‌های ثالث در تجاوز ۲۰۲۶، از منظر تطبیقی و حقوق داخلی این دولت‌ها، چه توجیه حقوقی دارد؟ و چه مسئولیت‌هایی متوجه آنهاست، مورد پژوهش است. هدف، استخراج ابزارهایی برای فشار حقوقی بر دولت‌های ثالث و تعریف مسئولیت‌های آنها بر اساس قوانین داخلی خودشان در قبال متجاوز است.

۴/۹- تحلیل تطبیقی «جنایت جنگی» در حمله به مراکز آموزشی؛ مطالعه موردی مدرسه میناب

در این پژوهش، بررسی این پرسش که حمله به مدرسه میناب و شهادت ۱۶۸ کودک، چگونه در حقوق تطبیقی (کنوانسیون‌های بین‌المللی و قوانین ملی) به عنوان «جنایت جنگی» تعریف می‌شود، موضوع پژوهش است. هدف، تدوین یک سند حقوقی برای اثبات عمدی بودن جنایت و استفاده از آن در دادگاه‌های کیفری است.

۴/۱۰- بررسی تطبیقی «نقض حقوق کودک» در جنایت مدرسه میناب بر اساس کنوانسیون‌های جهانی و حقوق اسلامی

در این عنوان، بررسی این فرضیه که شهادت ۱۶۸ کودک در مدرسه میناب، نقض اساسی ترین حقوق بنیادین انسان در حقوق تطبیقی است، مورد پژوهش قرار می‌گیرد. خروجی این تحقیق می‌تواند منجر به تدوین لوایح مطالبه خسارت برای خانواده‌های قربانیان در مراجع بین‌المللی شود.

۱۱/۴- مطالعه تطبیقی «مسئولیت فرماندهی» در جنایت جنگی مدرسه میناب

در این پژوهش، بررسی این پرسش که زنجیره فرماندهی در امریکا برای حمله به مدرسه میناب چگونه قابل شناسایی است و در حقوق تطبیقی، چه مجازاتی برای فرماندهان پیش بینی شده است، مورد پژوهش است. هدف، شناسایی دقیق متهمان برای پیگرد قانونی در دادگاه‌های دارای صلاحیت جهانی است.

۱۲/۴- تحلیل تطبیقی مدل‌های «جبران خسارت» برای قربانیان جنایت مدرسه میناب

در این عنوان، بررسی این پرسش که کدام مدل تطبیقی (حقوق بین‌المللی یا نظام دیات و قصاص اسلامی و یا...) برای محاسبه و جبران خسارت شهادت ۱۶۸ کودک عادلانه‌تر است، مورد پژوهش قرار می‌گیرد. هدف، ارائه یک فرمول محاسباتی کاربردی برای مطالبه خسارت از اسرامریکا است.

۱۳/۴- بررسی تطبیقی «اصل تفکیک» در حملات به مراکز غیرنظامی و مراکز امدادی

این پژوهش بر بررسی این فرضیه که حملات به مراکز درمانی و امدادی در تجاوز ۲۰۲۶، نقض سیستماتیک اصل تفکیک در حقوق تطبیقی است، تمرکز دارد. هدف نهایی، تبدیل این تحلیل به یک سند حقوقی برای اثبات «جنایت جنگی» و ایجاد بستری عملی برای محاکمه متجاوزان است.

۱۴/۴- تحلیل تطبیقی مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال تخریب «میراث فرهنگی و مکان‌های مقدس»

در این عنوان، بررسی این پرسش که تخریب مراکز تاریخی و مذهبی ایران در تجاوز ۲۰۲۶، چگونه در حقوق تطبیقی و قوانین ملی تعریف می‌شود، مورد پژوهش قرار می‌گیرد. این تحقیق به دنبال یافتن مکانیسم‌های اثربخش برای الزام اسرامریکا به بازسازی و جبران خسارات است.

۱۵/۴- مطالعه تطبیقی «مجازات دسته جمعی» در تجاوز ۲۰۲۶ از منظر حقوق بین‌الملل و ملی

در این پژوهش، بررسی این فرضیه که قطع دسترسی به آب، برق و گاز در تجاوز ۲۰۲۶،

مصادق «مجازات دسته جمعی» در حقوق تطبیقی است، مورد پژوهش قرار می‌گیرد. خروجی این تحقیق می‌تواند راهکارهای عملی برای تعریف این اقدامات به عنوان جنایت جنگی باشد.

۴-۱۶. بررسی تطبیقی «حق حیات» در برابر استراتژی «تخریب زیرساخت‌های بهداشتی» در تجاوز اسرامریکا

در این پژوهش، بررسی این پرسش که هدف قرار دادن مراکز درمانی در تجاوز ۲۰۲۶، در حقوق تطبیقی چگونه با «حق حیات» در تضاد است، مورد پژوهش قرار می‌گیرد. هدف، ارائه مستندات حقوقی برای اثبات «کشتار غیرمستقیم» و استفاده از آن در دادگاه‌های حقوق بشری است.

۴-۱۷. تحلیل تطبیقی «مصونیت‌های حاکمیتی» در برابر «عدالت جهانی» در پرونده تجاوز اسرامریکا

در این عنوان، بررسی این پرسش که آیا مصونیت‌های دیپلماتیک مقامات اسرامریکا در تجاوز ۲۰۲۶، در برابر قواعد «عدالت جهانی» در حقوق تطبیقی ابطال می‌گردد یا خیر، مورد پژوهش است. هدف، یافتن راهکارهای عملی برای شکستن مصونیت‌ها و محاکمه متجاوزان است.

۴-۱۸. مطالعه تطبیقی «قوانین جنگ» در حقوق داخلی امریکا در مقابل واقعیات تجاوز اسرامریکا

در این پژوهش، بررسی این فرضیه که اقدامات نظامی امریکا در تجاوز ۲۰۲۶ با قوانین داخلی خود این کشور در تضاد است، مورد بررسی است. هدف، استفاده از تناقضات داخلی امریکا برای فشار حقوقی و سیاسی در سطح بین‌المللی است.

۴-۱۹. تحلیل تطبیقی «حقوق مالکیت ملی» در برابر تخریب مراکز صنعتی و پتروشیمی

در این پژوهش، بررسی این فرضیه که تخریب زیرساخت‌های صنعتی در تجاوز ۲۰۲۶، علاوه بر جنایت جنگی، نقض «حق مالکیت ملی» در حقوق تطبیقی است، مورد بررسی است. هدف، تدوین لایحه مطالبه خسارت گسترده از اسرامریکا بر اساس استانداردهای ملی و بین‌المللی است.

۴/۲۰- بررسی تطبیقی «ناکارآمدی شورای امنیت» و «حق وتو» در بحران تجاوز اسرامریکا

در این عنوان، بررسی این پرسش که ناکارآمدی شورای امنیت در تجاوز ۲۰۲۶، چگونه در حقوق تطبیقی تحلیل می‌شود، مورد پژوهش است. هدف، پیشنهاد مدل‌های جایگزین و کاربردی برای نظارت بر متجاوزان در صورتی که مکانیسم‌های فعلی بین‌المللی شکست خورده باشند.

۴/۲۱- مطالعه تطبیقی «مسئولیت کیفری فرماندهان» در جنایات جنگی تجاوز اسرامریکا

در این پژوهش، بررسی این پرسش که فرماندهان نظامی اسرامریکا در حمله به مدارس و زیرساخت‌ها، طبق حقوق تطبیقی، چگونه مسئول شناخته می‌شوند، مورد پژوهش قرار می‌گیرد. هدف، استخراج مدل‌های حقوقی برای پیگرد کیفری مستقیم فرماندهان در دادگاه‌های ملی و بین‌المللی است.

نتیجه گیری

در نهایت باید تأکید کرد که هدف از این فراخوان و اتخاذ رویکرد تطبیقی، تولید متون نظری محض یا پژوهشهای تک بعدی نیست؛ بلکه ما در پی دستیابی به «عدالتی کاربردی» هستیم که بتواند در دنیای واقعی، متجاوزان اسرامریکا را به پاسخگویی وادارد. در تلاطم وقایع سال ۲۰۲۶، جایی که ابزارهای نظارتی بین‌المللی در برابر حق وتو و منافع قدرت‌های هژمونیک به سکوت رفته‌اند، تنها راه مقابله، تکیه بر استدلال‌های مستحکم و تطبیقی است که بتواند «حق» را از «قدرت» تفکیک نماید.

رسالت حقوق‌دانان در این برهه تاریخی، تبدیل «درد ملی» به «سند حقوقی» است. پژوهش‌هایی که در محورهای پیشنهادی این نشریه دنبال می‌شوند - از واکاوی تعریف تجاوز در اساسنامه رم و چالش مصونیت‌های حاکمیتی گرفته تا تحلیل جنایات جنگی در مدرسه میناب و تخریب زیرساخت‌های حیاتی کشور - نباید تنها در صفحات مجلات علمی محدود بمانند؛ بلکه باید به عنوان «لوايح عملیاتی» در دادگاه‌های دارای صلاحیت جهانی و مراجع بین‌المللی و حتی در مراجع قضایی داخلی کشورهای ثالث و حتی متجاوز به کار گرفته شوند تا جنایت علیه کودکان بیگناه و استراتژی نابودسازی حیات اجتماعی، به عنوان «جنایات جنگی اثبات شده» در تاریخ حقوق بشر ثبت گردد.

امروز نیازمند پژوهش‌های صرفاً توصیفی نیستیم، بلکه نیازمند راهکارهای عملی برای شکستن مصونیت‌های متجاوزان و مدل‌های دقیق جبران خسارات مادی و معنوی هستیم. زمان، فرصت را از ما می‌گیرد و عدالت، نیازمند استندهایی است که هم با معیارهای جهانی و هم با مبانی الهی و ملی همسو باشد. امید است که خروجی این پژوهش‌های تطبیقی، گامی مؤثر در مسیر بازگرداندن حاکمیت ملی، محاکمه فرماندهان متجاوز اسرامریکا و استقرار عدالت واقعی در نظام حقوقی جهان باشد. بعون الله و مده